

## گونه‌شناسی تحلیلی روایات تأویلی مرتبه با امیرمؤمنان در سوره انبیاء

\* محمدهادی قهاری کرمانی

### چکیده

یکی از آموزه‌های اهل‌بیت در بیان معارف قرآن کریم، گشودن دریچه‌ای نو و هماهنگ با زمان به نام تأویل است. آیات قرآن افزون بر آنچه از ظاهر آنها استفاده می‌شود، دارای تأویل‌اند و بهترین راه دست‌یافتن به تأویل قرآن از طریق اهل‌بیت می‌باشد؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل‌بیت به عنوان عدل قرآن به‌شمار می‌روند. در بسیاری از روایات اهل‌بیت به تأویل آیات قرآن پرداخته شده است؛ اما در تفاسیر روایی، روایات تأویلی از روایات تفسیری تفکیک نشده است؛ بنابراین جداسازی روایات تأویلی از روایات تفسیری و تعیین نوع تأویل آنها اهمیت و ضرورت می‌یابد. این پژوهش در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که در روایات تأویلی سوره انبیاء چه نوع تأویلاتی نسبت به امیرمؤمنان صورت پذیرفته است؟ در این راستا، بر اساس معنای اصطلاحی تأویل قرآن در آیات و روایات، روایات تأویلی مرتبه با امام علی از بین روایات تفسیری سوره انبیاء استخراج و با روش توصیفی - تحلیلی مشخص شد که چهار نوع تأویل در این روایات درباره آن حضرت وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه، مصدق باطنی آیه، مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) و مصدق اطلاق یا عموم آیه.

### کلید واژه‌ها

تأویل قرآن، انواع تأویل قرآن، روایت تأویلی، امیرمؤمنان، سوره انبیاء.

### مقدمه

ژرفای نهایت‌ناپذیر قرآن، یکی از مهم‌ترین رموز ماندگاری قرآن در بستر طولانی زمان است. این ویژگی سبب می‌شود مجموعه‌ای به‌ظاهر محدود از ظرفیتی نامحدود برخوردار گردد و آنچه به‌ظاهر ثابت می‌نماید، از پویایی درونی و همیشگی برخوردار باشد. ظرفیت نامحدود قرآن در صورتی که به فعلیت بررسد و متناسب با نیازهای زمان تفسیر گردد، با زندگی و نیازهای مؤمنان ارتباط برقرار می‌کند و به حاجات آنان در عرصه‌های گوناگون پاسخی شایسته می‌دهد. برخورداری قرآن از تأویل، به این معناست که این کلام الهی علاوه بر آنچه با ظاهرش عرضه می‌کند، مفاهیم و معارف دیگری را نیز در خود دارد که از طریق روایات اهل بیت ﷺ به عنوان بهترین راه، می‌توان آنها را استخراج نمود؛ زیرا طبق حدیث ثقلین، اهل بیت ﷺ، عدل قرآن به‌شمار می‌روند.

درباره اهمیت و ضرورت این تحقیق باید گفته شود که در منابع تفسیری روایی، روایات تأویلی از روایات تفسیری تفکیک نشده است. به نظر می‌رسد علت‌ش این بوده که ماهیت تأویل قرآن برای مؤلفان این منابع به طور کامل، روش نبوده است؛ از این رو در این پژوهش ضمن مشخص شدن ماهیت تأویل قرآن بر اساس آیات و روایات، به جداسازی روایات تأویلی مرتبط با امیر مؤمنان ﷺ از روایات تفسیری سوره انبیاء پرداخته شده است.

سؤال اصلی این مقاله آن است که در روایات تأویلی سوره انبیاء چه نوع تأویلاتی در مورد امیر مؤمنان ﷺ صورت پذیرفته است؟ از آنجا که در بین روایات تأویلی سوره انبیاء، روایاتی وجود دارد که به تأویل آیات بر امام علیؑ پرداخته اند، در این پژوهش برآئیم تا آن روایات را استخراج و دسته‌بندی نموده و بر اساس آن، انواع تأویل آیات سوره انبیاء بر امام علیؑ را کشف نماییم.

### پیشینه

در مورد تأویل قرآن پژوهش‌هایی صورت پذیرفته که از کتاب روشن‌های تأویل قرآن<sup>۱</sup> و مقالات «تأویل قرآن» نوشته علی‌اکبر بابایی،<sup>۲</sup> «تأویل قرآن در منظر اهل بیت ﷺ» نوشته حمید آگاه،<sup>۳</sup> «معناشناسی تأویل در روایات» نوشته محمد فرجاد،<sup>۴</sup> «معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت ﷺ» نوشته سید حیدر علوی‌نژاد،<sup>۵</sup>

۱. ر. ک: شاکر، روشن‌های تأویل قرآن، ص ۱۱۰ – ۳۴.

۲. ر. ک: ماهنامه معرفت، ش ۶، پاییز ۱۳۷۲.

۳. ر. ک: فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۵ و ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۵.

۴. ر. ک: فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۱۳۸۳.

۵. ر. ک: دوفصلنامه حسنا، ش ۲، پاییز ۱۳۸۲.

«بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن‌پژوهان معاصر» نوشته شهاب‌الدین ذوق‌قاری،<sup>۱</sup> «تأویل از نگاه تحقیق» نوشته علی نصیری<sup>۲</sup> و «تأویل» نوشته محمد‌کاظم شاکر<sup>۳</sup> به عنوان مهم‌ترین آثاری که به عنوان پیشینه این تحقیق به شمار می‌روند، می‌توان نام برد.

در مورد نقاط افتراق این مقاله با پژوهش‌های یادشده باید گفته شود که اولاً در آثار یادشده، ماهیت تأویل قرآن با آنچه که در این تحقیق تعریف شده، متفاوت است؛ ثانیاً تبیین انواع تأویل قرآن بر اساس آیات و روایات در این پژوهش نسبت به پژوهش‌های مذکور تفاوت دارد؛ ثالثاً در هیچ‌یک از تحقیقات یادشده به استخراج روایات تأویلی مرتبط با امام علی عليهم السلام در سوره انبیاء و تعیین نوع تأویل آنها اهتمام ورزیده نشده است.

همچنین مقالات «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن»،<sup>۴</sup> «انواع روایات تأویلی سوره آل عمران درباره حضرت علی عليهم السلام»،<sup>۵</sup> «انواع روایات تأویلی سوره نساء درباره امام علی عليهم السلام»،<sup>۶</sup> «گونه‌شناسی روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان عليهم السلام در سوره مائدۀ»،<sup>۷</sup> «گونه‌شناسی روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان عليهم السلام در سوره انعام»،<sup>۸</sup> «گونه‌شناسی روایات تأویلی مرتبط با امیرالمؤمنین عليهم السلام در سوره اعراف»،<sup>۹</sup> «گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین عليهم السلام»،<sup>۱۰</sup> «انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی عليهم السلام»،<sup>۱۱</sup> «انواع روایات تأویلی سوره هود درباره امام علی عليهم السلام»،<sup>۱۲</sup> «گونه‌شناسی تحلیلی روایات تأویلی سوره ابراهیم»،<sup>۱۳</sup> «انواع روایات تأویلی سوره حجر درباره امام علی عليهم السلام»،<sup>۱۴</sup> «گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره نحل درباره

۱. ر. ک: دوفصلنامه حسنا، ش ۲۱، تابستان ۱۳۹۳.

۲. ر. ک: فصلنامه بیانات، ش ۱۷، بهار ۱۳۷۷.

۳. ر. ک: دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۷، ص ۱۱۱ - ۹۰.

۴. ر. ک: دوفصلنامه پژوهشنامه تأویلات قرآنی، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸.

۵. ر. ک: دوفصلنامه پژوهش‌نامه نقد آراء تفسیروی، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹.

۶. ر. ک: فصلنامه قرآنی کوثر، ش ۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰.

۷. ر. ک: دوفصلنامه حدیث و اندیشه، ش ۳۳، بهار و تابستان ۱۴۰۱.

۸. ر. ک: فصلنامه معارف اهل بیت عليهم السلام، ش ۱، خرداد ۱۴۰۱.

۹. ر. ک: فصلنامه قرآنی کوثر، ش ۷۱، مهر ۱۴۰۱.

۱۰. ر. ک: فصلنامه سفینه، ش ۷۳، زمستان ۱۴۰۰.

۱۱. ر. ک: فصلنامه سراج منیر، ش ۴۰، پاییز ۱۳۹۹.

۱۲. ر. ک: فصلنامه مطالعات علوم قرآن، ش ۷، بهار ۱۴۰۰.

۱۳. ر. ک: پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی، ش ۱۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱.

۱۴. ر. ک: فصلنامه معارف قرآن و عترت، ش ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹.

امیرمؤمنان عليه السلام<sup>۱</sup>، «گونه‌شناسی تحلیلی روایات تأویلی سوره نمل»<sup>۲</sup> همگی نوشه محمدهادی قهاری کرمانی به عنوان پیشینه این پژوهش محسوب می‌گردند که تنها نقطه اشتراک آنها با این مقاله، تعریف ماهیت تأویل قرآن و تعیین انواع آن می‌باشد.

### تأویل در لغت

در کتب لغت چهارمعنا برای تأویل مطرح شده که عبارت‌اند از: الف) مرجع و عاقبت امر؛<sup>۳</sup> ب) سیاست و تدبیر کردن؛<sup>۴</sup> ج) تفسیر کردن؛<sup>۵</sup> د) برگرداندن معنای ظاهر لفظ به معنای غیرظاهر.<sup>۶</sup>

در کتب لغت یادشده، تأویل در اکثر موارد به معنای وصفی (مرجع و عاقبت امر) و گاهی به معنای مصدری (رجوع و ارجاع دادن) به کار رفته است؛ از آنجا که استعمال تأویل به معنای وصفی شیوع بیشتری دارد، لذا این معنا به عنوان معنای یکم مطرح گردید. همچنین معنای یکم، سوم و چهارم در مورد «تأویل کلام» کاربرد دارند؛ اما معنای دوم به «تأویل کلام» ارتباطی ندارد.

نکته دیگر آنکه معنای دوم، سوم و چهارم را می‌توان به معنای یکم برگرداند. توضیح آنکه درباره معنای دوم می‌توان گفت کسی که تدبیر و سیاست می‌کند، پشت قضایا و عاقبت امور را می‌بیند و قضایا را بر اساس نتیجه و سرانجام آنها پیش می‌برد. در مورد معنای سوم یعنی تفسیر کردن، خلیل بن احمد آن را به تفسیر سخنی که معانی مختلفی دارد و فهم معنای صحیح آن نیازمند بیان و توضیح دیگری می‌باشد، تعریف کرده است.<sup>۷</sup> به دیگر سخن، تأویل گر با ملاحظه وجود متعدد معانی، وجه درست را که همان معنای ظاهری نهایی است انتخاب نموده و به لفظ نسبت می‌دهد؛ بنابراین تأویل به معنای سوم به نوع خاصی از تفسیر اطلاق می‌گردد، چنانکه برخی لغویان گفته‌اند: «تأویل عبارت از تفسیر و بیان عاقبت و سرانجام یک امر است».<sup>۸</sup> تأویل به معنای چهارم نیز ممکن است به معنای یکم برگردد با این بیان که معنای غیرظاهر کلام همان معنای باطنی، عمیق و غایت معنای کلام است.

۱. ر. ک: دوفصلنامه پژوهشنامه تأویلات قرآنی، شعر شهریور ۱۴۰۰.

۲. ر. ک: دوفصلنامه حدیث حوزه، ش ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۰.

۳. ر. ک: فراهیدی، تعریب کتاب العین، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهri، معجم تهدیب اللّغة، ج ۱۵، ص ۴۵۸؛ ابن فارس، معجم مقاييس اللّغة، ج ۱، ص ۱۵۸؛ جوهری، الصحاح اللّغة، ج ۲، ص ۱۲۲۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۶۴؛ راغب اصفهانی، المفردات، ص ۳۱.

۴. ر. ک: ازهri، معجم تهدیب اللّغة، ج ۱۵، ص ۴۵۸.

۵. ر. ک: فراهیدی، تعریب کتاب العین، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ازهri، معجم تهدیب اللّغة، ج ۱۵، ص ۴۵۸.

۶. ابن اثیر، النہایہ فی غریب الحديث والاثر، ج ۱، ص ۸۰.

۷. ر. ک: فراهیدی، تعریب کتاب العین، ج ۱، ص ۱۲۰.

۸. جوهری، الصحاح اللّغة، ج ۲، ص ۱۲۲۶.

به نظر می‌رسد برخی بررسی‌های لغوی متاخر و معاصر که با تکیه بر نظر ابن‌فارس، تأویل را از اضداد شمرده و آن را هم به معنای ابتدای امر و هم به معنای انتهای امر دانسته است؛<sup>۱</sup> قابل ملاحظه باشد؛ زیرا ابن‌فارس در هیئت فعلی ماده «أول» که تأویل، ناظر به آن است، از معنای ابتدای امر، سخنی به میان نیاورده است؛ بلکه وی برای ماده «أول» دو اصل و ریشه معنایی متفاوت معرفی می‌کند که اصل یکم به معنای ابتدای امر است که در واژه «أول» مشاهده می‌شود؛ و اصل دوم به معنای انتهای امر است که آن را در صورت‌های متعددی از این ماده از جمله در واژه «تأویل» مورد توجه قرار داده است.<sup>۲</sup> از این‌رو ضرورتی ندارد معنای ابتدای امر را در باب تأویل کلام جستجو نموده و تأویل کلام به معنای انگیزه و قصد اولیه گوینده دانسته شود.<sup>۳</sup>

نتیجه آنکه معنای اصلی تأویل، عاقبت و سرانجام یک امر است و «تأویل کلام» همان مقصود اصلی و نهایی کلام خواهد بود.

### تأویل قرآن در اصطلاح آیات و روایات

ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات تعریف نشده است؛ لذا بهترین راه برای معناشناسی تأویل قرآن رجوع به آیات و روایات است تا بر اساس کاربردهای قرآنی و روایی این اصطلاح، ماهیت تأویل قرآن کشف شده و تعریفی جامع برای آن ارایه گردد.<sup>۴</sup>

لفظ تأویل، در ضمن هفت سوره و پانزده آیه از قرآن، هفده بار استعمال شده است.<sup>۵</sup> از هفده مورد یادشده، پنج مورد آن در مورد قرآن به کار رفته است که دوبار<sup>۶</sup> به‌اتفاق مفسرین به معنای «مقصود از آیات مشابه» و سه‌بار<sup>۷</sup> به‌حسب ظاهر و به نظر مشهور به معنای «تحقیق عینی وعد و وعیدهای قرآن در آخرت» می‌باشد.<sup>۸</sup> در روایات، کلمه تأویل در مورد قرآن در هشت معنا استعمال شده است که عبارتند از: معنای ظاهری آیه، مصدق ظاهری آیه، معنای باطنی آیه، مصدق باطنی آیه، مصدق آیه در گذر زمان

۱. ر. ک: فیروزآبادی، *بعض اشارات ذوی التمييز في لطائف الكتاب العزيز*، ج ۱، ص ۷۹؛ شاکر، *مبانی و روش‌های تفسیر*، ص ۱۹.

۲. ر. ک: ابن‌فارس، *معجم مقاييس اللغه*، ج ۱، ص ۱۵۸.

۳. ر. ک: اسعدی، *پژوهشی در محکم و مشابه*، ص ۱۵۳.

۴. ر. ک: قهاری کرمانی، *دوفصلنامه پژوهشنامه تأویلات قرآنی*، ش ۳، ص ۸۴ – ۷۲.

۵. ر. ک: سوره آل عمران / ۷؛ سوره نساء / ۵۹؛ سوره اعراف / ۵۳؛ سوره یونس / ۳۹؛ سوره یوسف / ۶، ۳۷، ۳۶، ۲۱، ۴۴ و ۴۵.

۶. ر. ک: سوره اسراء / ۳۵؛ سوره کهف / ۷۸ و ۸۲.

۷. ر. ک: سوره آل عمران / ۷.

۸. ر. ک: سوره اعراف / ۵۳؛ سوره یونس / ۳۹.

۹. ر. ک: طبرسی، *مجمع‌البیان*، ج ۴، ص ۱۶۷ و ج ۵، ص ۶۵۷؛ مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۶، ص ۱۹۶ و ج ۸، ص ۲۹۵.

(جری و تطبیق)، مصدق عmom یا اطلاق آیه، تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه.<sup>۱</sup> بنابراین «تأویل قرآن» در لسان آیات و روایات دارای هشت معنا می‌باشد. البته می‌توان این معنای هشتگانه را در دو معنای عام و خاص برای تأویل قرآن خلاصه نمود. «تأویل قرآن» به معنای عام همه معنای هشتگانه را در بر گرفته است؛ اما «تأویل قرآن» به معنای خاص فقط شامل معنای سوم تا هشتم می‌باشد. دلیل این تقسیم آن است که با مرور آیات و روایاتی که در آنها کلمه تأویل در مورد قرآن استعمال شده است، مشاهده می‌شود که تمامی آیات و اکثر روایات، ناظر به معنای تأویل قرآن به معنای سوم تا هشتم است.<sup>۲</sup> نکته دیگر آنکه دو معنای اول تأویل قرآن یعنی معنا و مصدق ظاهری آیه در حوزه تفسیر قرآن فرار می‌گیرد؛ اما طبق آنچه در بررسی معنای لنوی تأویل گذشت که لغتشناسان یکی از معنای تأویل را تفسیرکردن دانستند؛ لذا تأویل قرآن به معنای عام شامل تفسیر نیز می‌شود؛ از این رو در روایات، به این دو معنا نیز اطلاق تأویل شده است. بنابراین تأویل قرآن به معنای عام، اعم از تفسیر است و نسبت آن با تفسیر، عموم و خصوص مطلق است؛ ولی تأویل قرآن به معنای خاص نسبتش با تفسیر، تباین است.<sup>۳</sup> مراد از تأویل قرآن در این مقاله، تأویل به معنای خاص است؛ بنابراین ما در صدد بیان روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان ﷺ در سوره انبیاء هستیم که مشتمل بر یکی از معنای سوم تا هشتم باشند.

#### انواع روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان ﷺ در سوره انبیاء

همان طور که گفتیم در بین روایات تأویلی سوره انبیاء، روایاتی وجود دارد که آیات این سوره را بر امیرمؤمنان ﷺ تأویل کرده‌اند. این تأویلات به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که در ادامه، آنها را ذکر خواهیم کرد.

#### ۱. معنای باطنی آیه

از روایات فراوانی استفاده می‌شود که آیات قرآن علاوه بر معنای ظاهری از معنای، مقاصد و معارف عمیق باطنی برخوردار است که همگان را یاری فهم آن نمی‌باشد و علم آن ویژه «راسخان در علم» است. اصل وجود باطن برای قرآن، مورد اتفاق خاصه و عامه است و روایات فراوانی که به تواتر معنوی رسیده برآن دلالت دارد.<sup>۴</sup> در برخی از روایات ضمن پذیرفته شدن اینکه قرآن کریم دارای بطن و بطون

۱. قهاری کرمانی، *دوفصلنامه پژوهشنامه تأویلات قرآنی*، ش ۳ ص ۷۲ - ۷۱.

۲. همان، ص ۸۴

۳. همان، ص ۸۴

۴. ر. ک: شاکر، *روش‌های تأویل قرآن*، ص ۹۱ - ۸۷.

(معانی باطنی) است، بطن آن «تأویل» نامیده شده است.<sup>۱</sup>

در روایات تأویلی سوره انبیاء یک روایت مشاهده شد که معنای باطنی آیه را درباره امیرمؤمنان عليهم السلام بیان کرده است که در ادامه به نقل آن می‌پردازیم.

از امام صادق عليه السلام درباره آیه: «قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيْكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهُنَّ أُنْشَمٌ مُسْلِمُونَ»<sup>۲</sup> روایت شده که فرمود:

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيْكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهُنَّ أُنْشَمٌ مُسْلِمُونَ الْوَصِيَّةُ لِعَلِيٍّ بَعْدِي.

بگو: جز این نیست که به من وحی می‌شود که خدای شما خدای یگانه است؛ پس آیا شما نسبت به وصیتی که نسبت به علی عليه السلام بعد از خود نمودم، تسلیم می‌شوید.

معنای ظاهری واژه «مُسْلِمُونَ» در آیه ۱۰۸ انبیاء، تسلیم در برابر خداوند است؛ اما در روایت فوق بر تسلیم در برابر ولایت امیرمؤمنان عليهم السلام تأویل شده است. با مقایسه معنای ظاهری و معنای مطرح شده در روایت فوق، روشن می‌شود که تأویل در این روایت از نوع بیان معنای باطنی آیه به شمار می‌رود.

## ۲. مصدق باطنی آیه

مراد از مصدق باطنی آیات، امور خارجی و واقعیات عینی به لحاظ معنای باطنی آیات است. ذیل سه آیه از سوره انبیاء روایات تأویلی مشاهده شد که مصادیق باطنی آیات را بر امام علی عليه السلام تأویل کرده است که در ادامه به ذکر آن روایات پرداخته خواهد شد.

ذیل آیات: «وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سِيَّحَانَهُ بَلْ عِبَادُ مُكْرَمُونَ \* لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ يَأْمُرُهُ يَعْمَلُونَ»<sup>۳</sup> پنج روایت تأویلی در زمینه مصدق باطنی آیه مرتبط با امام علی عليه السلام یافت شد که در اینجا آنها را ذکر خواهیم کرد:

یک. از امام علی عليه السلام روایت شده که فرمود:

أَنْزَلْنَاهُمُ الْحُجَّةَ يَأْنِ خَاطَبَهُمْ خَطَابًا يَدْلُلُ عَلَيِّ الْفِرَادِهِ وَ تَوَحِّدُهُ وَ يَأْنِ لَهُ أُولَئِكَ تَجْرِي أَفْعَالُهُمْ وَ أَحْكَامُهُمْ مَجْرِي فَعْلَهِ فَهُمُ الْعِبَادُ الْمُكْرَمُونَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ يَأْمُرُهُ يَعْمَلُونَ هُوَ الَّذِي أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ عَرَّفَ الْخَلْقَ اقِيدَارَهُمْ عَلَى عِلْمٍ الغَيْبِ بِقَوْلِهِ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى

۱. ر. ک: عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۱۱.

۲. انبیاء / ۱۰۸.

۳. ابن شهرآشوب، *متشابه القرآن و مختلفه*، ج ۴، ص ۴۸.

۴. انبیاء / ۲۶ – ۲۷.

عَيْهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ وَهُمُ التَّعَمِّلُ الَّذِي يَسْأَلُ الْعِبَادَ عَنْهُ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّمَا يَهْمُ عَلَى مَنْ أَوْيَاهُمْ مِنْ أُوْيَاهُمْ قَالَ السَّائِلُ مَنْ هَوَلَاءِ الْحُجَّاجُ قَالَ هُمْ رَسُولُ اللَّهِ وَمَنْ حَلَّ مَحَلَّهُ مِنْ أَصْفَيَاءِ اللَّهِ الَّذِينَ قَرَنُوهُمُ اللَّهَ بِنَفْسِهِ وَرَسُولِهِ وَفَرَضَ عَلَى الْعِبَادِ مِنْ طَاعَتِهِمْ مِثْلَ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْهِمْ مِنْهَا لِنَفْسِهِ<sup>۱</sup>

[خداؤند] آنها (خلق) را به حجت و برهان ملزم ساخت به این وسیله که آنها را مورد خطاب قرار داد با خطابی که بر تنها بی و یگانگی او دلالت می کند و اینکه برای آنان سربرستهایی است که کارها و حکم‌هایشان جاری مجرای کار خداست؛ پس آنها بندگان شایسته اویند؛ لایسیقونه بالقول و هم یاًمروه یعملون. سؤال کننده گفت: «این حجت‌ها چه کسانی هستند؟» فرمود: «آنها رسول خدا<sup>۲</sup> و کسانی از برگزیدگان خدا هستند که جایگزین او می باشند؛ کسانی که خدا آنها را با خود و رسولش همراه ساخت و در مورد بندگان، اطاعت از آنها را مانند وجوب اطاعت از خود قرار داد.

دو. هنگامی که امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> یاران خود را برای جنگ با معاویه آماده می ساخت دو نفر با هم به مشاجره پرداختند که یکی از آنان سخن گزافی گفت. حضرت فرمود: «دور شو ای سگ». آن مرد همانجا به عوو افتاد و تبدیل به سگ شد. اطرافیان بہت زده شدند. آن مرد با انگشت به امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> اشاره و تصرّع نمود. حضرت به وی نگاه کرد و لبان خود را به حرکت درآورد و وی تبدیل به انسان شد. برخی از یاران نزد امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> رفتند و گفتند: تو که چنین قدرتی داری چه نیازی به تجهیز سربازان داری؟ حضرت فرمود:

وَالَّذِي فَلَقَ الْحَيَّةَ وَبَرَّا التَّسْمَةَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أَضْرِبَ بِرْجُلِي هَذِهِ الْفَلَوَاتِ حَتَّى أَضْرِبَ صَدْرَ مُعَاوِيَةَ فَأَقْبِلَهُ عَنْ سَرِيرِهِ لَعَلْتُ وَلَكِنَّ عِبَادَ مُكْرَمُونَ لَا يَسِيقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ يَأْمُرُونَ يَعْمَلُونَ.<sup>۳</sup>

قسم به کسی که دانه را شکافت و مردم را آفرید، اگر می خواستم با این پایم در این صحراها بکویم و بر سینه معاویه بزنم و او را از تختش بر زمین اندازم؛ ولی [من جزء] عِبَادَ مُكْرَمُونَ لَا يَسِيقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ يَأْمُرُونَ یَعْمَلُونَ، [هستم].

سه: امیرالمؤمنین علی<sup>علیه السلام</sup> در مسجد نشسته بود که دو مرد نزد او آمدند و از یکدیگر به او شکایت کردند و یکی از آنها از خوارج بود. حکم متوجه خارجی شد و امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> علیه او حکم کرد. مردی

۱. طبرسی، *الإِحْتِجاجُ عَلَى أَهْلِ الْحَاجَةِ*، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲. حافظ برسی، *مُشَارِقُ أَنْوَارِ الْيَقِينِ فِي أَسْوَارِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ*، ص ۱۲۰.

که از خوارج بود به او گفت: سوگند به خدا به تساوی حکم نکردی و عادلانه قضاوت نکردی و قضاوت تو مورد رضای خدای تعالی نیست. امیرالمؤمنین عليه السلام به او اشاره کرد و فرمود: «[ای] دشمن خدا! [مانند سگ] دور شو»؛ در نتیجه به سگ سیاهی مبدل شد و کسانی که حاضر بودند گفتند: «سوگند به خدا دیدیم که لباسش از او جدا شده در هوا پرواز می‌کند و شروع کرد به دم جنبانیدن برای امیرالمؤمنین عليه السلام و اشک از چشمانتش بر صورتش جاری شد و امیرالمؤمنین عليه السلام را دیدیم که دلس نرم شد و به آسمان نگاه کرد و لبهاش را به سخنی حرکت داد که نشینیدیم. به خدا سوگند او را دیدیم که به حال انسانی برگشت و لباسش از هوا برگشت تا بر روی شانه‌هاش افتاد و او را دیدیم که از مسجد بیرون رفت درحالی که پاهایش می‌لرزید»؛ پس مات و مهبوت به امیرالمؤمنین عليه السلام نگاه می‌کردیم که به ما فرمود: «چرا با تعجب نگاه می‌کنید؟ عرض کردیم: «ای امیرالمؤمنین عليه السلام! چگونه تعجب نکنیم درحالی که انجام دادی آنچه انجام دادی؟»؛ حضرت فرمود:

أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ آصَفَ بْنَ بَرْخِيَا وَصَيْرَ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاؤِدَ قَدْ صَنَعَ مَا هُوَ قَرِيبٌ مِنْ هَذَا الْأُمْرِ  
فَقَصَّ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قِصَّتُهُ حَيْثُ يَقُولُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ قَالَ  
عِفْرِيتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتَيْكَ يَهُ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَ إِنِّي عَلَيْهِ لَقْوِيٌّ أَمِينٌ قَالَ اللَّهُ عِنْدَهُ  
عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتَيْكَ يَهُ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقْرِئًا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ  
فَضْلِ رَبِّي لِيَلْبُوَنِي أَأْشُكُ أَمْ أَكْفُرُ إِلَيْهِ آخِرُ الْآيَةِ فَإِيمَانًا أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ تَبَيَّكُمْ أَمْ سُلَيْمَانُعليه السلام  
فَقَالُوا بَلْ بَيْتُنَا أَكْرَمُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَعليه السلام قَالَ فَوَصِيٌّ تَبَيَّكُمْ أَكْرَمُ مِنْ وَصِيِّ سُلَيْمَانَعليه السلام وَ إِيمَانًا  
كَانَ عِنْدَ وَصِيِّ سُلَيْمَانَعليه السلام مِنْ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ حَرْفٌ وَاحِدٌ فَسَأَلَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ فَخَسَفَ لَهُ  
الْأَرْضَ مَا بَيْهُ وَ بَيْنَ سَرِيرِ بَالِقِيسِ فَتَنَاهَهُ فِي أَقْلَ مِنْ طَرْفِ الْعَيْنِ وَ عَيْدَنَا مِنْ اسْمِ اللَّهِ  
الْأَعْظَمِ اُشْتَانَ وَ سَيَعُونَ حَرْفًا وَ حَرْفُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى اسْتَأْثَرَ بِهِ دُونَ حَلْقِهِ فَقَالُوا لَهُ يَا أَمِيرَ  
الْمُؤْمِنِينَعليه السلام فَإِذَا كَانَ هَذَا عِنْدَكَ فَمَا حَاجْتَكَ إِلَى الْأَنْصَارِ فِي قِتَالِ مُعَاوِيَةَ وَ غَيْرِهِ وَ اسْتِئْنَافِكَ  
النَّاسَ إِلَى حَرْبِهِ ثَانِيَةً فَقَالَ بَلْ عِبَادُ مُكْرَمُونَ لَا يَسِيقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ يَأْمُرُهُ يَعْمَلُونَ إِنَّمَا أَدْعُو  
هَوَلَاءَ الْقَوْمَ إِلَى قِتَالِهِ لِتُبُوتِ الْحُجَّةُ وَ كَمَالُ الْمِحْنَةِ وَ لَوْ أَذِنَ لِي فِي إِهْلَاكِهِ لَمَا تَأْخَرَ لَكَ  
الَّهُ تَعَالَى يَمْتَحِنُ حَلْقَهُ بِمَا شَاءَ.<sup>۱</sup>

آیا نمی‌دانید که آصف بن برخیا وصیّ سلیمان بن داود عليهم السلام کاری را که نزدیک به این کار بود انجام داد و خداوند جل اسمه، قصه او را بازگو کرد... پس کدام یک نزد خداوند با کرامت‌تر است پیامبر شما یا سلیمان عليه السلام؟ گفتند: «بلکه کرامت پیامبر ما بیشتر است

۱. سید رضی، خصائص الانمه [خصائص امیرالمؤمنین عليه السلام، ص ۴۶.

ای امیرالمؤمنین! فرمود: «بنابراین وصی پیامبرتان با کرامت‌تر از وصی سلیمان<sup>علیه السلام</sup> است؛ نزد وصی سلیمان، یک حرف از اسم اعظم خدا بود که از خداوند جل اسمه درخواست نمود؛ در نتیجه زمین را بین او و بین تخت بلقیس فرو برد؛ پس در کمتر از چشم به هم‌زدن آن [تخت] را گرفت [و نزد سلیمان<sup>علیه السلام</sup> حاضر ساخت] و نزد ما از اسم اعظم خدا هفتادو دو حرف است و یک حرف نزد خدای تعالی است که آن را ویژه خود قرار داد و برای خلقش در آن سهمی قرار نداد». به او گفتند: «ای امیرالمؤمنین! پس اگر این [قدرت] نزد توست، در جنگ با معاویه و غیر او چه حاجتی به یاور و حرکت دادن مردم برای جنگ با او در مرحله دوم داری؟»! فرمود: «بَلْ عِبَادُ مُكْرَمُونَ لَا يَسْيُقُونَهُ بالْقَوْلِ وَ هُمْ يَأْمُرُونَ عَمَلُونَ»، برای ثابت شدن حجت و کامل شدن مصیبت‌ها و آزمایش‌ها این مردم را به جنگ با او فرا می‌خوانم و اگر در کشتن او به من اجازه داده شود، به تأخیر نمی‌افتد؛ ولکن خدای تعالی خلقش را به آنچه بخواهد امتحان می‌کند.

چهار. از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> روایت شده که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَرِلْ فَرْدًا مُتَفَرِّدًا فِي الْوَحْدَائِيَّةِ ثُمَّ حَلَقَ مُحَمَّدًا<sup>علیه السلام</sup> وَ فَاطِمَةً<sup>علیها السلام</sup> فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ ثُمَّ حَلَقَ الْأَشْيَاءَ وَ أَسْهَدَهُمْ حَلْقَهَا وَ أَجْرَى عَلَيْهَا طَاعَتَهُمْ وَ جَعَلَ فِيهِمْ مَا شَاءَ وَ فَوَضَّ أَمْرَ الْأَشْيَاءِ إِلَيْهِمْ فِي الْحُكْمِ وَ التَّصْرِيفِ وَ الْإِرْشَادِ وَ الْأَمْرِ وَ التَّهْيِي فِي الْخَلْقِ لِأَنَّهُمُ الْوَلَّةُ فَلَهُمُ الْأَمْرُ وَ الْوَلَايَةُ وَ الْهَدَايَةُ فَهُمْ أَبُوَابُهُ وَ نُوَابُهُ وَ حُجَّابُهُ يُحَلِّلُونَ مَا شَاءَ وَ يُحَرِّمُونَ مَا شَاءَ وَ لَا يَفْعُلُونَ إِلَّا مَا شَاءَ عِبَادُ مُكْرَمُونَ لَا يَسْيُقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ يَأْمُرُونَ عَمَلُونَ فَهَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا غَرَقَ فِي بَحْرِ الْإِفْرَاطِ وَ مَنْ تَقَصَّهُمْ عَنْ هَذِهِ الْمَرَاتِبِ الَّتِي رَتَّبَهُمُ اللَّهُ فِيهَا رَهْقَ فِي بَرِّ التَّنْفِيطِ وَ لَمْ يُوفَّ آلُ مُحَمَّدٍ<sup>علیه السلام</sup> حَفَّهُمْ فَيَمَا يَجِبُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ مَعْرِفَتِهِمْ ثُمَّ قَالَ حُدُّهَا يَا مُحَمَّدٌ<sup>علیه السلام</sup> فَإِنَّهَا مِنْ مَخْزُونِ الْعِلْمِ وَ مَكْنُونَهُ.<sup>۱</sup>

خداؤند پیوسته در یکتایی خود یکتا و بی‌همتا بود سپس محمد<sup>علیه السلام</sup> و فاطمه<sup>علیها السلام</sup> را آفرید آنها بیش از هزاران سال ماندند آنگاه اشیاء را آفرید و آنان را گواه بر آفرینش اشیاء قرار داد و فرمان برداری از ائمه<sup>علیهم السلام</sup> را بر آنها الزام نمود و آنچه خواست در اشیاء نهاد و به ایشان واگذار کرد کار اشیاء را از نظر حکم و تصرف و ارشاد و امر و نهی در خلق چون آنها فرمانروایان بودند بهمین جهت ولایت و امر و هدایت در اختیار آنهاست و ایشان ابواب رحمان و نواب خدا و نگهبانان آستانه او هستند آنچه را بخواهند حلال می‌کنند و هرچه بخواهند حرام! جز آنچه خدا اراده کرده انجام نمی‌دهند: عِبَادُ مُكْرَمُونَ لَا يَسْيُقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ يَأْمُرُونَ عَمَلُونَ. این آن دیانتی است که هر کس جلوتر از

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۳۹.

این گام بردارد در دریای افراط و زیاده‌روی غرق شده و هر کس از این مرتبه پایین‌تر که خدا به آنها عنایت کرده معتقد گردد در بیابان تفریط گمراه شده و حق آل محمد ع را که عبارت از معرفت آنهاست و بر هر مؤمنی واجب است ادا نکرده است. آن‌گاه فرمود: «این مطلب را داشته باش محمد! که از اسرار و دانش مکتوم است».

پنج: ابوذر غفاری و سلمان فارسی گفتند: از امام علی ع پرسیدیم: «چه چیز به شما داده که بهتر از همه اینهاست؟»؟ حضرت فرمود:

قد أَعْطَانَا رَبُّنَا عَزَّ وَ جَلَّ عِلْمَنَا لِلِّا سُمِّ الْأَعْظَمِ الَّذِي لَوْ شِئْنَا حَرَقْتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ  
الْجَهَنَّمُ وَ الْثَّارُ وَ نَعْرُجُ يَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ نَهْبِطُ يَهُ الْأَرْضَ وَ نَعْرُبُ وَ نَشْرُقُ وَ نَنْهَا يَهُ إِلَى  
الْعَرْشِ، فَنَجْلِسُ عَلَيْهِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُطِيقُنَا كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ  
الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ الْثَّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُ وَ الْبَحَارُ وَ الْجَهَنَّمُ وَ الْثَّارُ أَعْطَانَا اللَّهُ  
ذَلِكَ كُلُّهُ بِالِّاسْمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي عَلَمْنَا وَ حَصَّنَا يَهُ وَ مَعَ هَذَا كُلُّهُ نَأْكُلُ وَ نَشْرَبُ وَ نَمْشِي فِي  
الْأَسْوَاقِ، وَ تَعْمَلُ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ يَأْمُرُ رَبُّنَا وَ تَحْنُنُ عِبَادُ اللَّهِ الْمُكْرَمُونَ الَّذِينَ لَا يَسْقِفُونَهُ بِالْقُولُ وَ  
هُمْ يَأْمُرُهُ يَعْمَلُونَ وَ جَعَلَنَا مَعْصُومِينَ مُظَهَّرِينَ وَ فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۱</sup>

پروردگار ما، ما را از اسم اعظم مطلع کرده که اگر بخواهیم، آسمان‌ها و زمین و بهشت و جهنم را از جای بر کنیم، به آسمان عروج کنیم و به زمین برگردیم، به مغرب و مشرق برویم و منتهی به عرش بشویم، در آنجا در مقابل خداوند عزوجل بنشینیم. و همه چیز مطیع ما می‌باشد، حتی آسمان‌ها و زمین و شمس و قمر و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و دریاها و بهشت و جهنم. این مقام را خداوند به واسطه اسم اعظم به ما تعلیم داده و به ما اختصاص داده است. با تمام این امتیازات، ما غذا می‌خوریم و در بازارها راه می‌رویم و این کارها را به امر خدا انجام می‌دهیم. ما بندگان گرامی خدا هستیم که اظهار نظر در مقابل او نداریم و به دستورش عمل می‌کنیم. ما را معصوم و پاک قرار داده و بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشیده است.

تأویل در روایات مذکور از نوع مصدق باطنی آیه می‌باشد؛ زیرا منظور از «عِبَادُ مُكْرَمُونَ» در آیه ۲۶  
انبیاء، فرشتگان هستند؛ اما در روایات فوق، تأویل آن رسول خدا ع، امام علی ع، حضرت زهرا ع و  
سایر ائمه ع معرفی شده است.

از امام هادی ع روایت شده که نزد قبر امیرالمؤمنین ع بگو:

۱. علوی، المناقب / الكتاب العتيق، ص ۷۶.

يَا وَكِيَ اللَّهُمَّ إِنَّ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَاقْسِفْ لِي إِلَى رِبِّكَ فَإِنَّكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا مَعْلُومًا وَ إِنَّكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَ شَفَاعَةً وَ قَدْ قَالَ تَعَالَى وَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَى.<sup>۱</sup>

ای ولی خدا! همانا گناهان زیادی در عهده من بوده پس نزد پروردگارت من را شفاعت فرماء؛ زیرا برای تو نزد او مقام و مرتبه‌ای معلوم بوده و در درگاهش شوکتی عظیم و حق شفاعت داری و خداوند، خود در قرآن کریم‌ش فرموده: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَى».<sup>۲</sup>

عبارت «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَى» در آیه ۲۸ سوره انبیاء ظهر در ملائکه دارد؛ ولی در روایت فوق به امیرالمؤمنین علیه السلام تأویل شده است که این تأویل از نوع بیان مصدق باطنی آیه می‌باشد.

### ۳. مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)

در برخی از احادیث به مصادیق زمان نزول که آیات، ناظر به آنها بوده ظهر و تنزیل گفته شده و به مصادیق مشابه آنها که مفاهیم کلی آیات با صرف نظر از مورد نزول، در همه زمان‌ها بر آن قابل انطباق می‌باشد، بطن و تأویل گفته شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ظاهر قرآن، تنزیل آن و باطن قرآن، تأویل آن می‌باشد، بخشی از تأویل آن گذشته است و بخشی هنوز تحقق نیافته، قرآن بسان خورشید و ماه، در جریان است».<sup>۳</sup> در این روایت، لفظ تأویل در مورد «مصدق آیه در گذر زمان» استعمال شده است. این همان قاعده «جری و تطبیق» است که در روایت یادشده به آن اشاره شده است؛ بدین معنا که قرآن مانند خورشید و ماه جریان دارد و بر مصادیق جدید تطبیق می‌یابد. این نوع احادیث بر فرازمانی بودن، پویایی و تازگی قرآن برای هر عصر و نسل، تأکید می‌کند.

فرق مصدق باطنی آیه با مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) این است که در مصدق باطنی آیه، آن مصدق در زمان نزول آیه وجود دارد، اگرچه ممکن است تا قیامت، مصادیقی شبیه مصدق زمان نزول به وجود آیند؛ اما در مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق)، آن مصدق در زمان نزول آیه موجود نیست، بلکه در دوران پس از نزول آیه آن مصدق جدید، محقق می‌شود.

ذیل آیات ۷ و ۸۹ از سوره انبیاء روایات تأویلی مرتبط با امیرالمؤمنان علیه السلام مشاهده شد که از نوع بیان مصدق آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) هستند.

در مورد آیه: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۴</sup> سه روایت در زمینه مصدق آیه در گذر زمان

۱. انبیاء / ۲۸.

۲. کلینی، *الكافی*، ج ۹، ص ۲۹۵.

۳. عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۱۱.

۴. انبیاء / ۷.

یافت شد که به نقل آنها می‌پردازیم:

یک. سُدّی گوید: نزد عمر بن خطاب بودم، در آن هنگام کعب بن الاشرف، مالک بن صیفی و حیی بن اخطب پیش آمده و گفتند: «در کتاب شما (قرآن) آمده است آن بهشت که پهناش به قدر همه آسمان‌ها و زمین است.<sup>۱</sup> اگر وسعت یک بهشت به اندازه هفت آسمان و هفت زمین است، پس همه بهشت در روز قیامت کجا جای می‌گیرند؟» عمر گفت: «نمی‌دانم»! در همان حال که آنها به بیان این سخنان مشغول بودند، امام علی ع وارد شد و فرمود:

فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ فَالنَّفَتُ الْيَهُودِيُّ وَ ذَكَرَ الْمَسْأَلَةَ فَقَالَ لَهُمْ خَبْرُنِي مِنَ التَّهَارِ إِذَا أَقْبَلَ اللَّيْلُ أَيْنَ يَكُونُ وَ اللَّيْلُ إِذَا أَقْبَلَ التَّهَارُ أَيْنَ يَكُونُ فَقَالَ لَهُ فِي عِلْمِ اللَّهِ يَكُونُ قَالَ عَلَيْهِ كَذَلِكَ الْجَنَانُ تَكُونُ فِي عِلْمِ اللَّهِ فَجَاءَ عَلَيْهِ إِلَى النَّبِيِّ وَ أَخْبَرَهُ بِذَلِكَ فَنَزَلَ فَسَلَّوْا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.<sup>۲</sup>

شما درباره چه موضوعی سخن می‌گفتید؟ فرد یهودی به او توجه کرد و مسئله را بیان نمود. علی ع فرمود: «به من بگویید هنگامی که شب فرا می‌رسد، روز کجا می‌رود؟ و هنگامی که روز فرا می‌رسد شب کجا می‌رود؟» پس [یهودی] به او گفت: «در علم خدا می‌رود». علی ع فرمود: «بهشت نیز این چنین در علم خدا می‌رود». سپس علی ع نزد پیامبر ص آمده و او را از این ماجرا مطلع کرد. پس این آیه نازل شد: «فَسَلَّوْا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».

دو. از ابن عباس درباره آیه: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»<sup>۳</sup> چنین روایت شده است:

هُوَ مُحَمَّدٌ وَ عَلَيْهِ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ هُمْ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعُقْلُ وَ الْبَيَانُ وَ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلِفُ الْمَلَائِكَةِ وَ اللَّهُ مَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا إِلَّا كَرَامَةً لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.<sup>۴</sup>

اهل ذکر محمد ص، علی ع، فاطمه ع، حسن ع و حسین ع هستند که اینها اهل ذکر، علم، عقل و بیان‌اند. آنها، اهل بیت نبوت، پایگاه رسالت و محل آمدوشد ملائکه‌اند. به خدا قسم! مؤمن را مؤمن نام نداده‌اند مگر به‌سبب احترام امیر المؤمنین ع.

۱. آل عمران / ۱۳۳.

۲. ابن شهرآشوب، *متشابه القرآن و مختلفه*، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳. انبیاء / ۷.

۴. ابن طاووس، *الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف*، ج ۱، ص ۹۳.

سه. از امام علیؑ روایت شده که فرمود:

مَنْ جَهَلَ فَعَلَيْهِ أَنْ يُرَدَّ إِلَيْنَا مَا أَشْكَلَ عَلَيْهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَسَئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.

هر کس چیزی را نمی‌دانست باید اشکال و سؤالش را پیش ما آورد و از ما بپرسد که خداوند فرموده است: «فَسَئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».<sup>۱</sup>

در آیه ۷ انبیاء، مقصود از ذکر، کتاب‌های آسمانی است، و مراد از اهل ذکر، علمای اهل کتاب‌اند؛ زیرا آنها در دشمنی با رسول خدا<sup>ره</sup> دنبال مشرکین بودند، و مشرکین از آنها احترام می‌کردند، و چه بسا در کار خود با آنها مشورت می‌نمودند، و مسائلی از آنها می‌پرسیدند تا با آن مسائل رسول خدا<sup>ره</sup> را امتحان کنند.<sup>۲</sup> ولی در روایات فوق، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر پیامبر<sup>ص</sup>، امام علیؑ و اهل‌بیت<sup>ع</sup> تأویل شده است؛ لذا تأویل ذکر شده در این روایات از نوع بیان مصدق باطنی آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) به‌شمار می‌رود.

امام باقر<sup>ع</sup> از پدرانش از رسول خدا<sup>ره</sup> روایت کرده که در روز احزاب فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخَذْتَ مِنْيٍ عَبِيدَةً بْنَ الْحَارِثَ يَوْمَ بَدْرٍ وَ حَمْزَةً بْنَ عَبْدِالْمُطَّلِبِ يَوْمَ أَحُدٍ وَ هَذَا أَخْيَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رَبُّ لَا تَدْرِنِي فَرِدًا وَ أَئْتَ خَيْرَ الْوَارِثَيْنَ.<sup>۳</sup>

خدایا تو در روز بدر عبیده بن حارث را از من گرفتی و در روز احد حمزة بن عبدالمطلب را و این برادرم علی بن ابی طالب<sup>ع</sup> است؛ پروردگار من! مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی.<sup>۴</sup>

آیه ۸۹ انبیاء درباره حضرت زکریا<sup>ع</sup> و حضرت یحیی<sup>ع</sup> است؛ ولی در روایت فوق از آیه مورد بحث، الغای خصوصیت و تنقیح مناط شده و بر پیامبر<sup>ص</sup> و امام علیؑ تأویل شده است که این تأویل از نوع بیان مصدق باطنی آیه در گذر زمان (جری و تطبیق) می‌باشد.

#### ۴. مصدق اطلاق یا عموم آیه

در بسیاری از آیات قرآن واژه‌ها یا عباراتی به صورت عام یا مطلق آمده است که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعددی که ذیل این‌گونه از آیات نقل شده است به بیان مصدق عموم یا

۱. ابن‌جیون، *دعائیم الإسلام*، ج ۱، ص ۱۳.

۲. طباطبائی، *المیزان*، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

۳. انبیاء / ۸۹.

۴. کراجکی، *کنز الفوائد*، ج ۱، ص ۲۹۷.

اطلاق آیه پرداخته شده است. در برخی از این روایات ضمن بیان این نوع از مصاديق آیات، تصریح شده است که این مصاديق در زمرة تأویل آیه به شمار می‌آیند. ضمناً گاهی اوقات از برخی مصاديق عموم یا اطلاق آیه، تحت عنوان مصدق اتم و اکمل نام برده شده است. لازم به ذکر است که مصدق عموم یا اطلاق آیه با مصدق باطنی آیه متفاوت است؛ زیرا مصدق عموم یا اطلاق آیه برای غیرمعصوم نیز قابل فهم است، اما تشخیص مصدق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض، غیرمعصوم چنین مصاديقی را بیان کند، فاقد حجیت است.

ذیل آیات ۱۰۱، ۲۴ و ۱۰۳ از سوره انبیاء روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان عليهم السلام از نوع مصدق اطلاق یا عموم آیه وجود دارد که به نقل و تحلیل آنها پرداخته خواهد شد.

از امام کاظم عليه السلام درباره آیه: «لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»<sup>۱</sup> روایت شده که فرمود: «الطَّاعَةُ لِلْإِمَامِ بَعْدَ التَّئِيْنِ»<sup>۲</sup>: منظور از آن، فرمانبرداری از امام بعد از پیامبر صلوات الله عليه وآله وسلام است.

در این روایت تأویل عبارت «ذِكْرُكُمْ» فرمانبرداری از امام بعد از پیامبر صلوات الله عليه وآله وسلام دانسته شده است؛ یعنی آنچه که مایه تذکر و یادآوری شما مسلمانان می‌شود، فرمانبرداری از امام بعد از پیامبر صلوات الله عليه وآله وسلام است. از آنجا که عبارت «ذِكْرُكُمْ» مطلق است و ظهرور در هر نوع تذکری دارد که در قرآن آمده است؛ لذا تأویل در روایت یادشده از نوع بیان مصدق اتم اطلاق آیه به شمار می‌رود.

از امام باقر عليه السلام درباره آیه: «هَذَا ذِكْرُ مَنْ مَعَيْ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي»<sup>۳</sup> روایت شده که فرمود:

ذِكْرُ مَنْ مَعَيْ عَلَيْ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي ذِكْرُ الْأَئِمَّيَاءِ وَالْأُوَصِّيَاءِ.<sup>۴</sup>

منظور از ذکر کسی که همراه من است، علی بن ابی طالب صلوات الله عليه وآله وسلام می‌باشد و ذکر افراد قبل از من نیز پیامبران و اوصیای پیشین می‌باشند.

عبارت «مَنْ مَعَيْ» در آیه ۲۴ سوره انبیاء مطلق است و همه کسانی که با پیامبر صلوات الله عليه وآله وسلام همراه بودند را شامل می‌شود؛ اما در روایت فوق بر امام علی عليه السلام تأویل شده است که این تأویل از نوع بیان مصدق اتم اطلاق آیه به شمار می‌رود.

در مورد آیه: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنْهَا الْحُسْنَى أُولَئِكَ عَنْهَا مُبَعَّدُونَ»<sup>۵</sup> دو روایت تأویلی در زمینه

.۱. انبیاء / ۱۰.

.۲. استرآبادی، تأویل الآيات الظاهره فى فضائل العترة الطاهرة، ص ۳۱۹.

.۳. انبیاء / ۲۴.

.۴. استرآبادی، تأویل الآيات الظاهره فى فضائل العترة الطاهرة، ص ۳۲۱.

.۵. انبیاء / ۱۰۱.

مصدق اطلاق یا عموم آیه مشاهده شد که در ادامه آنها را ذکر می‌کنیم:  
یک. نعمان بن بشیر روایت می‌کند که شبی نزد امام علی<sup>ؑ</sup> بن ابی طالب<sup>ؑ</sup> نشسته بودیم و صحبت می‌کردیم که این آیه را خواند: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقُتْ لَهُمْ مِنَ الْحُسْنَىٰ أُولَئِكَ عَنْهَا مُبَعَّدُونَ»؛ سپس فرمود:

أَنَا مِنْهُمْ وَأَقِيمَتِ الصَّلَاةُ قَبَامَ وَهُوَ يَقُولُ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيْسَهَا.<sup>۱</sup>

من از جمله ایشان هستم. حضرت نماز را اقامه کرد و بلند شد درحالی که با خود آیه «لا يسمعون حسیسها» را تلاوت می‌کرد.

دو. از رسول خدا<sup>ؐ</sup> روایت شده که فرمود:

يَا عَلِيُّ أَتَ وَشَيْعَتُكَ عَلَيَ الْحَوْضِ تُسْقُونَ مَنْ أَحَبَّتُمْ وَتَمْنَعُونَ مَنْ كَرِهْتُمْ وَأَتْسُمُ الْأَمِمُونَ يَوْمَ الْفَرَغِ الْأَكْبَرِ فِي ظَلِّ الْعَرْشِ يَفْرَغُ النَّاسُ وَلَا تَنْزَعُونَ وَيَحْزُنَ النَّاسُ وَلَا تَحْزُنُونَ فِيْكُمْ نَزَّلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقُتْ لَهُمْ مِنَ الْحُسْنَىٰ أُولَئِكَ عَنْهَا مُبَعَّدُونَ وَفِيْكُمْ نَزَّلْتُ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَرَغُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَاقَهُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.<sup>۲</sup>

ای علی! تو و شیعیانت بر سر حوض کوثر، هرگز را دوست داشته باشید، سیراب می‌کنید و هرکه را ناپسند بدارید، محروم می‌کنید و شما در روز ترس و اضطراب بزرگ، در زیر سایه عرش، ایمن خواهید بود. مردم مضطرب و اندوهگین می‌شوند و شما دچار هیچ اضطراب و اندوهی نمی‌شوید. این آیه درباره شما نازل شده است: «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقُتْ لَهُمْ مِنَ الْحُسْنَىٰ أُولَئِكَ عَنْهَا مُبَعَّدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيْسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَىٰ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَرَغُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَاقَهُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ». <sup>۳</sup>

در مورد آیه: «لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَرَغُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَاقَهُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»<sup>۴</sup> سه روایت تأویلی در زمینه مصدق اطلاق یا عموم آیه مشاهده شد که در ادامه آنها را ذکر خواهیم کرد:  
یک: از امام باقر<sup>ؑ</sup> پرسیده شد: در قیامت، رسول خدا<sup>ؐ</sup> و امیرالمؤمنین<sup>ؑ</sup> و شیعیان ایشان کجا قرار دارند؟ حضرت فرمود:

رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شَيْعَتُهُ عَلَىٰ كُثُبَانِ مِنَ الْمُسْكِ الْأَذْفَرِ عَلَىٰ مَنَابِرَ مِنْ سُورٍ يَحْزَنُ

۱. حلی، *كشف الیقین فی فضائل أمیر المؤمنین*<sup>ؑ</sup>، ص ۳۸۲.

۲. انبیاء / ۱۰۱.

۳. انبیاء / ۱۰۳.

۴. کوفی، *تفسیر فرات الكوفی*، ص ۲۶۸.

۵. انبیاء / ۱۰۳.

الثَّاَسُ وَ لَا يَحْزُنُونَ وَ يَفْزَعُ الثَّاَسُ وَ لَا يَفْزَعُونَ ثُمَّ تَلَاهُ الْآيَةُ مِنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ  
مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرَعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ فَالْحَسَنَةُ وَ اللَّهُ وَلَائِهِ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ  
وَ تَتَلَاقَهُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.

رسول خدا و علی و شیعیانشان بر روی تپه‌هایی از مشک ناب، بر روی منبرهایی از نور قرار دارند و در این هنگام مردم اندوهگین و مضطرب می‌گردند، اما آنان دچار هیچ اندوه و اضطرابی نمی‌شوند. سپس این آیه را تلاوت نمود: هر کس نیکی به میان آورد پاداشی بهتر از آن خواهد داشت و آنان از هراس آن روز ایمن هستند. به خدا قسم منظور از حسنہ در این آیه، ولایت علی می‌باشد. سپس ایشان ادامه دادند: «لَا  
يَحْزُنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَاقَهُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».¹

دو: از رسول خدا روایت شده که فرمود:

يَا عَلِيُّ فِيْكُمْ تَرَكْتُ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَاقَهُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛  
يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ شَيْعَتُكَ تُطْلُبُونَ فِي الْمَوْقِفِ وَ أَشْمَ فِي الْجَنَانِ تَتَنَعَّمُونَ.²

ای علی! آیه: «لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ»، درباره شما نازل شده است، تو و شیعیان تو در موقف قیامت قرار می‌گیرید و شما در بهشت از نعمت‌های فراوان برخوردار می‌شوید.

سه: امام سجاد از پدرانش از رسول خدا روایت کرده که حضرت فرمود:

إِي وَ رَبِّي إِلَهُ إِشْبِعَنِكَ وَ إِنَّهُمْ لَيَخْرُجُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ قُبُورِهِمْ وَ هُمْ يَقُولُونَ لَإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ  
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ حُجَّةُ اللَّهِ فَيُؤْتُونَ بِحُلُلِ حُضُورٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ أَكَالِيلَ مِنَ  
الْجَنَّةِ وَ تِيجَانَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ تِجَابَ مِنَ الْجَنَّةِ فَيَبْسُسُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حَلَّةً خَصْرَاءَ وَ يُوضَعُ  
عَلَى رَأْسِهِ تاجُ الْمُلْكِ وَ إِكَالِيلُ الْكَرَامَةِ ثُمَّ يَرْكُوبُونَ التِّجَابَ فَتَطَيِّرُ بِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ لَا يَحْزُنُهُمُ  
الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَاقَهُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ.

آری به خدایم سوگند، شیعیان تو روز قیامت هنگامی که از قبرها سر بر آورند می‌گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ حُجَّةُ اللَّهِ»، در این هنگام جامه‌های سبزی از بهشت و تاج‌هایی با اسبها برای آنان می‌آورند، و آنها جامه‌ها را پوشیده و تاج‌ها را بر سر گذاشته بر اسبها سوار می‌شوند و در بهشت پرواز می‌کنند: «لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَرَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَاقَهُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمَكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».³

۱. قمی، *تفسیر القمی*، ج ۲، ص ۷۷.

۲. حسکانی، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، ج ۱، ص ۵۰۰.

۳. صدوق، *كتاب من لا يحضره الفقيه*، ج ۴، ص ۴۱۱.

آیات مورد بحث مطلق بوده و همه کسانی را که در خوبی‌ها سبقت می‌گیرند شامل می‌شوند؛ ولی در روایات فوق، امام علی<sup>علیہ السلام</sup> و شیعیان ایشان به عنوان مصدق اتم آنها ذکر شده‌اند؛ بنابراین تأویل در این روایات از نوع بیان مصاديق اتم اطلاق آیه به شمار می‌رود.

### نتیجه

از مجموع ۱۸ روایت تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان<sup>علیہ السلام</sup> در سوره انبیاء این نتیجه حاصل شد که در این روایات، از مجموع شش گونه تأویل قرآن، چهار نوع آن وجود دارد که عبارت‌اند از: معنای باطنی آیه (۱ روایت)، مصدق باطنی آیه (۶ روایت)، مصدق آیه در گذر زمان (۴ روایت)، مصدق اطلاق یا عموم آیه (۷ روایت). همچنین در روایات یادشده، دو نوع دیگر تأویل قرآن یعنی تحقق مفاد آیه و معنای آیه متشابه مشاهده نشد.

### منابع و مأخذ

#### قرآن کریم.

- ابن‌اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والاثر*، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
- ابن‌حیون، نعمان بن محمد مغربی، *دعائیم الإسلام*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۸۵ ق.
- ابن شهرآشوب، محمد بن علی، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم، دار بیدار للنشر، ۱۳۶۹ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف*، قم، خیام، ۱۴۰۰ ق.
- ابن‌فارس، احمد، *معجم مقاييس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ابن‌منظور، محمد، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- ازهري، محمد بن احمد، *معجم تهدیب اللغة*، بیروت، دار الكتاب العربي، بی‌تا.
- استرآبادی، علی، *تأویل الآیات الظاهرۃ فی فضائل العترة الطالحة*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- اسعدی، محمد و سید محمود طیب حسینی، پژوهشی در محكم و متشابه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ ش.
- آگاه، حمید، «تأویل قرآن در منظر اهل‌بیت<sup>علیهم السلام</sup>»، مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۵ و ۶، ۱۳۷۵ ش.
- بابایی، علی‌اکبر، «تأویل قرآن»، مجله معرفت، ش ۶، ۱۳۷۲ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح اللغة*، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۲۸ ق.
- حافظ برسی، رجب بن محمد، *مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين*، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۲ ق.
- حسکانی، عبید‌الله بن عبدالله، *شوادر التنزيل لقواعد التفضيل*، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.

- حَلَّی، حسن بن یوسف بن مطهر، *کشف الیقین فی فضائل امیر المؤمنین* عليهم السلام، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ ق.
- ذوقاری، شهاب الدین، «بررسی مفهوم قرآنی تأویل و مقایسه آن با دیدگاه‌های برخی قرآن پژوهان معاصر»، *مجله حسنا*، ش ۲۱، ۱۳۹۳ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات*، قم، نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
- سیدرضی، محمد بن حسین، *خصائص الائمه (خصائص امیر المؤمنین)* عليهم السلام، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ق.
- شاکر، محمد کاظم، «تأویل»، *دایرة المعارف قرآن کریم*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
- شاکر، محمد کاظم، *روش‌های تأویل قرآن*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۶ ش.
- شاکر، محمد کاظم، *مبانی و روش‌های تفسیر*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- صدقوق، محمد بن علی، *من لا يحضره الفقيه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، قم، مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للطبعات، ۱۳۹۰ ق.
- طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج على أهل الحاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- علوی، محمد بن علی، *المناقب / الكتاب العتيق*، قم، دلیل ما، ۱۴۲۸ ق.
- علوی‌نژاد، سیدحیدر، «معناشناسی تأویل قرآن در منظر اهل بیت عليهم السلام»، *مجله حسنا*، ش ۲، ۱۳۸۲ ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، تهران، اسوه، ۱۴۱۴ ق.
- فرجاد، محمد، «معناشناسی تأویل در روایات»، *مجله پژوهش‌های قرآنی*، ش ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۳ ش.
- فیروزآبادی، مجdal الدین، *بعثائر ذوى التمييز فی لطائف الكتاب العزيز*، بیروت، المکتبة العلمیة، بی‌تا.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دار الكتاب، ۱۳۶۳ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «انواع روایات تأویلی سوره آلم عمران درباره حضرت علی عليهم السلام»، *دوفصلنامه پژوهش نامه نقد آراء تفسیری*، ش ۲، ۱۳۹۹ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «انواع روایات تأویلی سوره حجر درباره امام علی عليهم السلام»، *فصلنامه معارف قرآن و عترت*، ش ۱۱، ۱۳۹۹ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «انواع روایات تأویلی سوره نساء درباره امام علی عليهم السلام»، *فصلنامه قرآنی کوثر*، ش ۶۸، ۱۴۰۰ ش.

- قهاری کرمانی، محمدهادی، «انواع روایات تأویلی سوره هود درباره امام علی ع»، *فصلنامه مطالعات علوم قرآن*، ش ۷، ۱۴۰۰ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «انواع روایات تأویلی سوره یونس درباره امام علی ع»، *فصلنامه سراج منیر*، ش ۴۰، ۱۳۹۹ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «گونه‌شناسی تحلیلی روایات تأویلی سوره ابراهیم»، *پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی*، ش ۱۷، ۱۴۰۱ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «گونه‌شناسی تحلیلی روایات تأویلی سوره نمل»، *دوفصلنامه حدیث حوزه*، ش ۲۲، ۱۴۰۰ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره توبه درباره امام امیرالمؤمنین ع»، *فصلنامه سفینه*، شماره ۷۳، ۱۴۰۰ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «گونه‌شناسی روایات تأویلی سوره نحل درباره امیرمؤمنان ع»، *دوفصلنامه پژوهشنامه تأویلات قرآنی*، ش ۶، ۱۴۰۰ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «گونه‌شناسی روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان ع در سوره اعراف»، *فصلنامه قرآنی کوثر*، ش ۷۱، ۱۴۰۱ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «گونه‌شناسی روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان ع در سوره انعام»، *فصلنامه معارف اهل بیت ع*، دوره ۱، ش ۱، ۱۴۰۱ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «گونه‌شناسی روایات تأویلی مرتبط با امیرمؤمنان ع در سوره مائدہ»، *دوفصلنامه حدیث و اندیشه*، ش ۳۳، ۱۴۰۱ ش.
- قهاری کرمانی، محمدهادی، «ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن»، *دوفصلنامه پژوهشنامه تأویلات قرآنی*، ش ۳، ۱۳۹۸ ش.
- کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، مؤسسه الطبع و زارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، ۱۴۱۰ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
- نصیری، علی، «تأویل از نگاه تحقیق»، *مجله بینات*، ش ۱۷، ۱۳۷۷ ش.